

ترجمه از کتاب «...» از نویسنده ...
 در سال ...
 ...

یادداشت مترجم

کتابی که در دست دارید نوشته یکی از نویسندگان نام آشنای آمریکای جنوبی است که در ایران کم‌تر شناخته شده است. بورخس در همان زمان انتشار کتاب و سوزان جیل لیواین، استاد دانشگاه کالیفرنیا، در سال ۲۰۰۳، مقدمه‌هایی بر آن نوشتند و از زوایای مختلف به ارزیابی رمان ابداع مورل پرداختند. هر دو مقدمه در این کتاب آمده است. از این قرار حرف چندانی برای گفتن باقی نمی‌ماند جز آن که به سهم خود به نکته‌ای اشاره کنم: آدولفو بیوئی کاسارس، یکی از آن جهان‌های ممکن را که پل ریکور، اندیشمند فرانسوی، همواره از آن یاد می‌کرد، در رمان خود خلق کرده است. در این جهان، ما از عالم واقعیت به عرصه خیال پرتاب می‌شویم، اما نه بدان‌گونه که در آثاری از این دست شاهد بوده‌ایم. داستان کاسارس ساختاری دقیق و منظم دارد که اساس آن به همان اندازه واقعی است که خیالی. چنان واقعی که در ممکن بودن آن شک نمی‌توان کرد و چنان خیالی که در داستانی بودن آن. نویسنده واقعیت و خیال را در وضعیتی دیگر کنار هم می‌نشانند و از آن جا به مقوله جاودانگی می‌رسد و همچنین عشق؛ صورتی دیگر از عشق که در عین غیاب، حضور دارد.

سپاسگزار مترجم گرانقدر جناب آقای مدیا کاشیگر هستم، به خاطر

ترجمه چند جمله فرانسوی و بخشی از یک شعر پل ورلن؛ همچنین دوست داستان نویسم محسن فرجی، به خاطر محبت‌های همیشگی اش؛ و نیز همراهان خوبم ایرج کیا و بهنام زارعی که ترجمه را از ابتدا تا انتها خواندند و نکات ارزنده‌ای را گوشزد کردند.

مقدمه

در این کتاب مجموعه‌ای از نوشته‌های من در زمینه‌های مختلف ادبی و فرهنگی را گردآوری کرده‌ام. این نوشته‌ها در طول سال‌های گذشته در مجله‌ها و نشریات مختلف چاپ شده‌اند. امید است که این مجموعه بتواند به شما عزیزان در شناختن جنبه‌های مختلف ادبی و فرهنگی ما کمک کند. این کتاب را به همه دوستان و همکارانم تقدیم می‌کنم.

مقدمه

آدولفو بیوئی کاسارس، نویسنده آرژانتینی (۱۹۱۴-۱۹۹۹)، با داستان‌های کوتاه و رمان‌های خود همواره منبع الهام و لذت برای نسل‌های مختلف نویسندگان و خوانندگان آمریکای لاتین بوده است. آثار او سرشار از تخیلی معقول، انگاره‌هایی غیرمتعارف و خلاقانه، طنزی ظریف و کنایاتی عارفانه است. این نویسنده که دوستان و همکارانش او را «بیوئی» صدا می‌زدند، کار نوشتن را در اوایل دهه سی (۱۹۳۰) در بوئنوس آیرس و در نشریه سور^۱ آغاز کرد که بنیان‌گذار آن فردی با نفوذ به نام ویکتوریا اوکامپو بود. سور در واقع صبغه‌ای بین‌المللی پیدا کرده بود چون در آن، گذشته از آرژانتینی‌ها، چهره‌های سرشناس فرهنگی در نقاط مختلف جهان از جمله اروپا - مانند شاعران و فرهیختگان اسپانیایی که از جنگ داخلی اسپانیا به آرژانتین پناه آورده بودند - آمریکای شمالی و آسیا به فعالیت می‌پرداختند. در این میان اما دوستی بیوئی جوان با خورخه لوئیس بورخس نقطه عطفی شد که او را تا سطح یک نویسنده طراز اول و صاحب سبک ارتقاء داد. همین بورخس بود که در ۱۹۴۰ با

1. Sur